

معماری و فرهنگ ۴۹

Architecture & Culture • Volume 14, No. 49, 2012 • سال چهاردهم شماره چهل و نهم • ۸۰۰۰ تومان

معماری منظر



	۴	یادداشت سردبیر/ طراحی منظر
	۶	منظر و منظرگرایی، انگاره‌ای نو سید محسن حبیبی
	۸	باز زنده سازی منظر در فضاهای شهری هما ایرانی بهبهانی، زیبا شیرزاد
	۱۲	منظر روان‌شناسانه علیرضا قهاری
	۱۵	نقش آب در طراحی محیط و معماری منظر محمدرضا مثنوی
	۲۱	طرح منظر اراضی ذخیره درون شهری حاشیه رودخانه‌ها مهرداد مال‌عزیزی
	۲۵	بازتاب اندیشه‌های شرق و غرب در معماری منظر علی پورجعفر، سعید فرمهین فراهانی، مهگل مرتعب
	۳۰	پارک‌های موضوعی امیرافغان حاجی‌عباسی، مهرداد هاشم‌زاده همایونی
	۳۶	منظر شهری فضاهای مجاور با آب و راهبردهای توسعه شهری سید مجید مقیدی شمیرانی، زهرا سادات منصوری
هویت در سیمای روزانه و شبانه شهری محمد مهدی محمودی، لیدا اسلامی	۴۲	
نگاهی زیباشناختی به محیط و منظر یزدان سلطانی	۴۷	
زیبایی‌های معماری ایران کاخ چهلستون حسین سلطان زاده	۵۱	
معرفی پروژه آسمان پارک سنگاپور	۵۹	
باشگاه مهندسان، نظام مهندسی گیلان	۶۰	
باغ پرسه، آپوس	۶۲	
ویلای شهرک دریاچه	۶۶	
برج مسکونی موج	۷۰	
ویلای مسکونی، تهران	۷۲	
مجتمع مسکونی تعاونی نظام پزشکی	۷۶	
	۷۸	
مقاله / گزارش‌ها		
کاربرد رنگ در پروژه‌های صنعتی نیات بیات	۸۱	
خبر/ گزارش تأسیس دوکوموموی ایران	۸۴	

هویت در سیمای روزانه و شبانه شهری Identity in Townscape Day and Night Time Kife

Mohammad Mahdi Mahmoudi

Lida Eslami

■ محمد مهدی محمودی*

■ لیدا اسلامی



پانورامای میدان حسن آباد

یکی از ملزومات دستیابی به مناظر پایدار شهری، خلق چشم‌اندازهای زیبا و موزون است. به طوری که بنیاد مناظر شهری پایدار آینده به کیفیت و خلاقیت در طراحی ساختمان‌ها و فضاهای عمومی و شبکه ارتباطات آنها وابسته است. هم شهروندان و هم طراحان منظر شهری باید به کیفیت معماری مستحدثات توجه کنند و در یک چارچوب ملی جدید برای بهبود مناظر شهری، اقدام به تمهید و تدوین ایده‌ها و ابزارهای منعطف در سطوح ملی کنند تا هدایت‌گر شکل‌گیری مناظر پایدار شهری باشند. مصادیق گوناگون از منظر شهری در پهنه گسترده ایران زمین در اذهان عمومی متبلور است. همه ظرفیت‌های طبیعی و زیست‌محیطی در آمیخته یا منفک از هنر ایرانیان در تمدن‌های کهن و نوین و جلوه‌هایی از معماری و مصنوعات بشری در این مرز و بوم شماری از این دست هستند.

چکیده

تلفیق طبیعت با دست‌ساخته‌های بشری و چگونگی قرارگیری این دو عنصر در کنار یکدیگر چشم‌اندازهایی به عنوان منظر شهری ایجاد می‌کند که توجه به این چشم‌اندازها به ویژه پس از بروز مشکلات ناشی از انقلاب صنعتی در غرب و احداث کارخانه‌ها و تأثیر آنها بر سیمای شهر بیش‌تر مطرح شد. به تعبیری می‌توان گفت سیمای شهری همان تصویر ذهنی است که از تجسم عینی چشم‌اندازهای پیرامونی در خاطر ناظر نقش می‌بندد. خواه تجسم عینی یک منظر شهری برگرفته از هویت تاریخی، طبیعی یا معماری آن باشد و خواه وابسته به رخدادهای اجتماعی و خاطرات جمعی بازدید کنندگان.

منظر پیوند دهنده آحاد معماری یا معماران است. معماری متکثر، سیمای شهرها یا مناظرهای طبیعی چه در طول تاریخ و چه در زمان حاضر، همه و همه در بستر منظر به هم مرتبط می‌شوند. پیوند میان انواع معماری‌ها زمانی برقرار می‌شود که ما به عناصر ارجاعی خود همچون میدان نقش جهان که معماری‌های متنوعی را نظیر معماری دوره ایلخانی یا صفوی به خود دیده است، به عنوان یک منظر شهری توجه کنیم.

تعاریف و مفاهیم پایه

سیما و منظر شهری

تعریف منظر شهری

منظر واژه‌ای است عربی از ریشه نظر و بر وزن مفعل، اسم مکان است مانند مکتب، مدخل، پس می‌تواند محل نظر باشد یا مکان نگریستن، یعنی «هر چیزی که آن را می‌نگرند، خواه خوشایند باشد و خواه بدنما». بنابراین منظر چیزی است عینی.

اساساً منظر شهری، سطح تماس^۱ انسان و پدیده شهر است و از این رو بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد. اهمیت منظر شهری، به عنوان واسطه میان انسان و پدیده شهر، به اندازه‌ای است که برخی اوقات در تعریف طراحی شهر گفته‌اند:

«طراحی شهر مدیریت منظر شهری (منظر عینی و ذهنی) است». منظر شهری وسیله‌ای است که شهر را پدیدار می‌کند. به عبارت دیگر ترسیمات تجریدی طراحان و معماران (نظیر پلان، مقاطع و نمای جداره خیابان‌ها) تنها در قالب منظر شهری است که به تجربه واقعی و انسانی بدل می‌شود.

از طریق این واسطه، یعنی منظر شهری است که ابعاد غیر کالبدی شهر امکان بروز و تجلی خارجی پیدا می‌کند (گلکار، ۱۳۸۵: ۳۹). منظر شهری علاوه بر ممکن ساختن «قرائت» متن شهر، امکان آسیب‌شناسی شهری را فراهم می‌کند. چنین دیدگاهی بر این پیش فرض استوار است که بحران در منظر شهری نشان‌دهنده بحران در طراحی شهری است و بحران در طراحی شهری نشان‌دهنده بحران در فرایندهای توسعه و مدیریت شهری است (همان: ۳۹).

چنانچه منظر شهری را به مثابه گونه‌ای از هنر مورد توجه قرار دهیم، گستردگی طیف مخاطبان و آفرینشگران آن، گواهی بر اهمیت هنر مزبور خواهد بود. در واقع شهروندان همه روزه زندگی خود را با ورود به خیابان که همچون نمایشگاهی دائمی از مناظر شهری است، آغاز می‌کنند (همان: ۳۹)

در حقیقت منظر شهری جنبه عینی یا قابل ادراک محیط است که به نوبه خود دارای فرم، عملکرد و معناست (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

تعریف سیمای شهری

سیما یا تصویر ذهنی از شهر، طرح‌واره‌ای ارزش‌گذاری شده در ذهن فرد از منظر

شهری است که عوامل متعدد فیزیولوژی، فردی، اجتماعی، اعتقادی، ارزشی و ... در ایجاد آن تأثیر گذارند. در واقع اطلاعات پردازش شده در ذهن (تصویر ذهنی از محیط یا فضای مورد ادراک) را سیما گویند. تصویر ذهنی شهر یا سیمای شهر، در واقع کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌هاست که به مفاهیم، ارزش‌ها، معانی و چیزهایی شبیه آن واقعیت می‌بخشد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۷۵ - ۲۱).

تصویر ذهنی فرد از محیط حاصل دو عامل اصلی است:

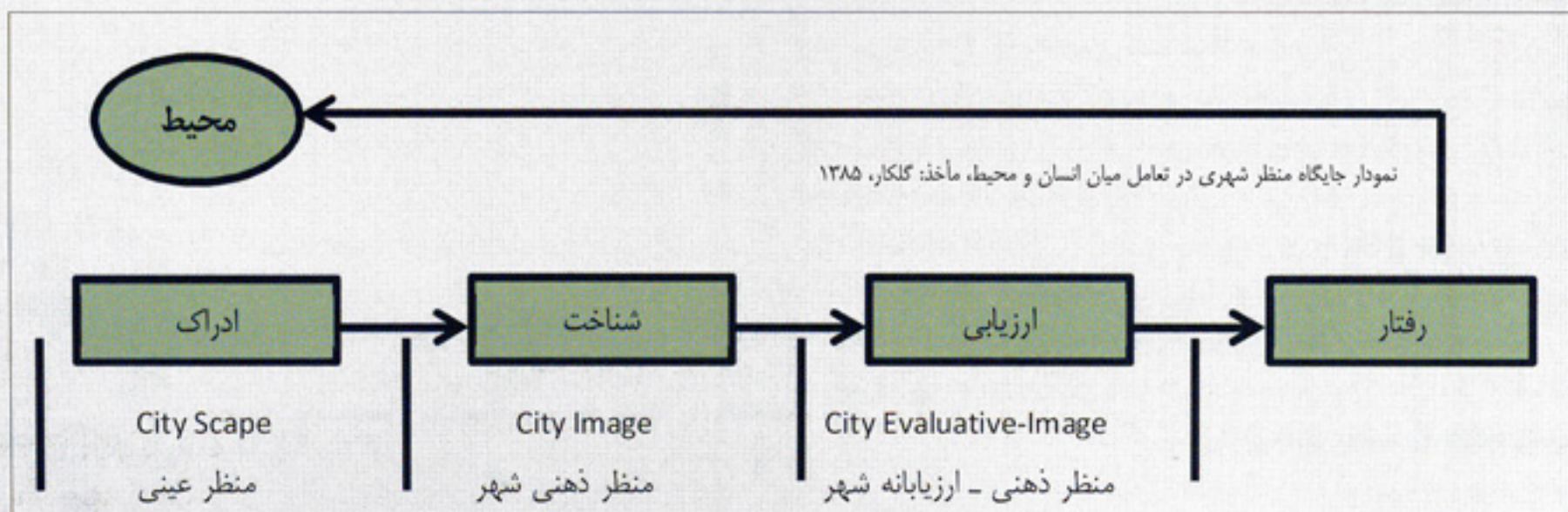
۱. خاطرات، روابط، تجربیات و توقعات که همه به صورت یک مجموعه ادراکی، رابطه بین فرد و منظر را زمینه‌سازی کرده‌اند.

۲. اطلاعات ارسال شده سه بعدی از منظر که تصویر ذهنی را به صورت طرح‌واره شکل می‌دهند، در این فرایند انسان اطلاعات دریافتی از محیط را در ذهن منظم کرده و علاوه بر اجزا محیط، نظم یا رابطه حاکم میان آنان را نیز در ذهن خود به تصویر کشیده و به آن معنا می‌بخشد.

لازم به ذکر است که تصویر ذهنی ایجاد شده، تصور شهروند از محیط بوده و به همین خاطر با واقعیت موجود انطباق کامل و دقیق ندارد و جالب این که فرد بر اساس این تصویر ذهنی رفتار می‌کند و نه بر اساس واقعیت‌های موجود (گلکار، ۱۳۸۵: ۳۹).

بنابراین سیمای (ذهنی) شهر آن تصویر ذهنی است که انسان در چارچوب ساختار شخصیتی‌اش، آگاهانه و یا ناآگاهانه از جنبه‌های خاص از واقعیت فیزیکی موجود، تجربه کرده است. اما این تصویر ذهنی برای فرد فقط مربوط به زمان حال نبوده بلکه با تصورات ذهنی او از گذشته و آینده ترکیب شده و خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده ایجاد می‌کند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۳).

در مرحله نخست، محیط شهری هندسه و ویژگی‌های ملموس خود، نظیر ویژگی‌های بصری، صوتی، بو و غیره را در معرض حواس پنج‌گانه انسان قرار می‌دهد، در این مرحله اصطلاحاً محیط شهری توسط فرد مورد ادراک قرار می‌گیرد. محصول تعامل انسان با محیط شهری در این مرحله پدیده‌ای است که از آن با لفظ منظر شهری نام برده می‌شود که به منظور عدم اختلاط با دیگر مفاهیم مرتبط، از اصطلاح «منظر عینی شهر» برای ارجاع به آن استفاده می‌شود. در مرحله دوم، محیط شهری توسط فرد مورد شناخت قرار می‌گیرد. در این مرحله ذهن فرد بر اساس داده‌های محیطی، طرح‌واره‌های ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی تصویری از محیط ساخته و معنای معینی را به محیط الصاق می‌کند. محصول تعامل میان محیط شهری و ذهن فرد، پدیده‌ای است که با لفظ «منظر ذهنی شهر» از آن نام برده می‌شود. در مرحله سوم، ذهن فرد براساس شناختی که از محیط به دست آورده و بر مبنای فرایندهای تأثیری و ارزیابانه نسبت به محیط واکنش عاطفی مثبت و یا منفی پیدا می‌کند. محصول تعامل محیط شهری و ذهن ارزیابانه فرد، پدیده‌ای





سیمای شهری میدان حسن آباد

در مجموع می‌توان سیمای شهر را شامل منظر عینی یعنی وجه کالبدی فضای شهری و سیمای ذهنی به معنی تصورات شکل گرفته از فضا که ناشی از پردازش ذهنی مجموع عوامل ادراکی، اجتماعی و فرهنگی است، تعریف کرد. خاطره ذهنی بر جای مانده از معماری منظر شهری پایدار خالق سیمای مطلوب و با هویت شهری است.

معماری منظر در شب و سیمای شبانه

شهر در نتیجه مناسبات زندگی در طول روز و شب، دو چهره متفاوت از خود را برای شهروندان به نمایش می‌گذارد. سیمای شبانه در واقع تصور مخاطب از شهر هنگام شب است که چگونگی شناخت و درک آن مبین کیفیت فضای شهری در زمانی است که به دلیل تاریک شدن هوا و تعطیل شدن بیش تر فعالیت‌های اداری از ویژگی‌های متفاوت شکلی و محتوایی برخوردار است.

منظر شهرهای بزرگ امروز در طول شبانه روز، چهره متفاوتی از شهر را در معرض دید کاربران فضاهای شهری قرار می‌دهد. بخشی از این منظر را فعالیت‌های جمعی شهری در طول شب شکل می‌دهد و بخش دیگر را جنبه‌های بصری فضاهای شهری، که در هنگام شب زیر پرده تاریکی از نظرها پنهان شده و تنها با نورپردازی مصنوعی قابل رؤیت است. این دو جنبه، یعنی فضاهای شهری به عنوان بستر فعالیت‌های جمعی شهروندان و تصاویر و مناظر شهر در شب، تصور مخاطب از فضای شهری را هنگام شب می‌سازد که از آن به «سیمای شبانه شهر» تعبیر می‌شود.

بنابراین منظر شهرها در شب از دو دیدگاه قابل بررسی است، دیدگاهی که به تحلیل زندگی شبانه و فعالیت‌های شهروندان می‌پردازد و دیدگاه دیگر که به تحلیل جنبه‌های بصری، در طول شب توجه می‌کند.

فعالیت‌های شهروندان در طول شب به عنوان یکی از عوامل سازنده منظر شبانه شهری، خود متأثر از سیاست‌گذاری‌های مسئولان شهر و مدیریت فضاهای شهری است که اگر بر اساس زمینه‌های تاریخی و مکانی شهر و شرایط بافت جمعیتی و با نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و باورهای اعتقادی آنها صورت پذیرد، می‌تواند منجر به بهبود و افزایش ظرفیت فضاهای شهری از جنبه‌های عملکردی و کارکردی شود. این فرایند سبب غنای تصویر ذهنی مخاطب از فضاهای شهری شده و موجد خاطره

است که «جک نسر» از آن با اصطلاح «منظر ذهنی - ارزیابانه شهر» نام می‌برد و در نهایت در مرحله چهارم از تعامل میان محیط شهری و انسان، فرد بر مبنای محتویات منظر ذهنی - ارزیابانه خود که نشان دهنده احتمال رویدادهای محتمل الوقوع در محل است، به رفتار معینی دست می‌زند (گلکار، ۱۳۸۵: ۳۹).

تصویر ذهنی یا سیمای شهر از نظر راپاپورت، «کلیتی است که حتی پس از ترک محیط نیز در خاطر انسان می‌ماند، زیرا انسان را در مجموعه اجزا به شمار آورده و آن را با کلیت شهر درگیر می‌کند. تصویر ذهنی حاصل تعامل میان ناظر و محیط اوست: ارتباط متقابل میان شخص و مکان. بر این اساس منظر شهری که مجموعه‌ای از گشتالت‌هاست، وقتی کلیتی ذهنی می‌شود که به آن مفهومی استوار که از ظرفیت‌های فرهنگی یا منطقه‌ای اقتباس شده است، داده شود. تصویر ذهنی شهر، در واقع کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌هاست که به مفاهیم، ارزش‌ها، معانی و چیزهایی شبیه به آن واقعیت می‌بخشد» (همان: ۲۱).

سیمای عینی (منظر) تا زمانی که انسان در فضا حضور دارد و به مشاهده فضا می‌پردازد، معنی دارد؛ حال اگر فرد، دیگر در فضای شهری حضور نداشته باشد و تنها به واسطه مرور تصاویر بر جای مانده در ذهن که از تماشای فضا و عناصر شاخصی که در آن وجود داشته، به یادآوری فضا بپردازد، این تصاویر ذهنی تبدیل به سیمای ذهنی فرد از فضا می‌شوند.

منظر، علم مناظر و مریاست. آنچه در عینیت وجود دارد و می‌تواند معماری شود. معماری منظر اگر پایدار و مانا باشد خاطره ذهنی ماندگار ایجاد خواهد کرد. خاطره ذهنی از یک منظر، سیمای ذهنی را به وجود می‌آورد.

سیمای ذهنی می‌تواند بسته به ویژگی‌های ذاتی، روحی، روانی و فرهنگی از فردی به فرد دیگر تغییر کرده یا به واسطه شکل‌گیری یک رویداد جمعی تبدیل به یک سیمای ذهنی مشترک و خاطره جمعی برای ساکنان شهر شود. اما مصداق خارجی و عینیت مسلم آن، همان معماری منظر و قابل رؤیت است.

مدل ذهنی روابط میان انسان و محیط نشان می‌دهد که یک رابطه دو طرفه میان ویژگی‌های معماری منظر شهری از یک سو و ادراک، شناخت، ارزیابی و رفتار انسانی از سوی دیگر وجود دارد.



منظر شهری کوچه مروی در روز



منظر شهری کوچه مروی در شب



جمعی شهروندان از شهر می‌شود.

عامل دیگری که بر سیمای شبانه شهرها تأثیرگذار است منظر عینی شهر است که با آنچه در روز به نظر می‌آید، متفاوت است. نور یک‌دست روز تمام گوشه‌ها و زوایای شهر را در نظر مخاطبان نمایان می‌کند. اما در شب این امکان وجود دارد که با تأکید یا نادیده انگاشتن آگاهانه بخشی از فضا، زمینه شکل‌گیری تصویری مطلوب را در ذهن شهروندان فراهم کند. در واقع آنچه سبب سرزندگی و پویایی فضا در شب می‌شود، تطابق و همخوانی دو کیفیت منظر شبانه و جریان عملکردی شهر در طول شب است.

بخش عمده‌ای از درک هویت شهر وابسته به نورپردازی فضاهای شهری است که نقش مؤثری در ایجاد خوانایی و ارتقای ایمنی فضاهای شهری در طول شب دارد. هدف از نورپردازی امکان بازخوانی ویژگی‌های منظر شهری در تاریکی شب است. در واقع عامل نور از طریق اثرگذاری در کیفیت اطلاع‌رسانی، شناساندن مناطق و محلات، افزایش بار هویتی مراکز، نشانه‌سازی و تأکید بر فضاها و اماکن شاخص شهری نقش برجسته‌ای در تعریف سیمای شهری دارد. باید در نظر داشت شهر در شب با حضور انسان تعریف می‌شود و به این سبب نوع نورپردازی بناها و فضاهای شهری می‌تواند خاطره‌ساز شده و در حافظه جمعی شهر بنشیند.

معماری منظر و حفظ هویت شهری

اگر شهر کهن در زمان و مکان سابق خویش دچار توقف شود در مسیر فرسایش و انحطاط قرار می‌گیرد. گذر زمان در شهر، خود را با ویرانه‌ها و ویرانی‌ها می‌نمایاند و به این ترتیب شهر کهن که مکانی است مملو از خاطرات در ذهن شهروندان، به مکانی برای خاطرات تبدیل می‌شود.

دوری از خاطره و مرور ایام، خاطره را نیز می‌زداید و شهر بی‌خاطره شهروند را می‌سازد و به نوبه خویش، با فاصله گرفتن شهروند بی‌خاطره از اصالت و هویت شهری، حس تعلق و انگیزه حضور در عرصه شهر کمرنگ می‌شود.

هویت شهر نیز همچون هر پدیده‌ای، با موجودیت شهر شکل می‌گیرد، در زمان می‌زید و دگرگون می‌شود. به عبارتی دیگر وقتی شهر یا جامعه رشد می‌کند، بخشی از صفات هویتش در جریان رشد تغییر می‌کند و ساماندهی جدیدی می‌یابد. از نظر نوربرگ شولتز، هویت بشر و هویت مکان لازم و ملزوم یکدیگرند. داشتن مکانی مشترک به معنای داشتن هویت مشترک است. مکان به عنوان ظرفی که دربرگیرنده وقایع و حوادث است، می‌تواند به حفظ خاطرات کمک کند. به عبارت دیگر، خاطره، مکان محور است یا حداقل به پشتوانه مکانی نیاز دارد (میرمقتدایی، ۱۳۸۸: ۷) و شهر مکان خاطره‌های جمعی مردمانش است. [...] فضاهای شهری علاوه بر حیات اجتماعی خود، تصویرپذیر بوده و در ذهن ساکنان آن نقش بسته و خاطراتی فراموش‌نشده بر جای می‌گذارند و در دل و ذهنشان زنده می‌مانند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۳ - ۳۰). به عبارتی شهر خاطره را می‌سازد و خاطره به شهر شکل می‌بخشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱).

خیابان، گذر، کوچه، میدان، فضاهای باز، بسته و ... زمینه‌های جدی برای تجربه شهری می‌شوند. امری که می‌تواند در شکل‌گیری خاطره‌های ارادی و غیرارادی شهر مؤثر افتد و تصورات و تصویرهای گذرا - در زمانه را - به تصورات و تصویرهای پایدار و قابل رجوع در ذهن تبدیل کند (همان: ۳).

عناصر منظر شامل عناصر کالبدی فوق‌الذکر (خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدانی و فضاهای باز و بسته شهری) چنانچه با اعتنا به پیشینه فرهنگی معماری شوند می‌توانند ضامن احیای هویت شهر باشند.

خاطره انگیزی فضا با عناصر منظر	نقش‌انگیزی کالبد	- ایجاد ویژگی کالبدی مشخص و متمایز - حفظ جداره‌ها و عناصر واجد ارزش
ثبت و انتقال خاطره و تاریخ شهر	ثبت خاطره در کالبد	- حفظ بناها و عناصر ارزشمند تاریخی - احداث بناهای یادبود رویدادهای شهری - حفظ نام و روحیه فضاها ی یادآور خاطرات
ثبت و انتقال خاطره و تاریخ شهر	ثبت خاطره در کارکرد	- حفظ بناها و عناصر ارزشمند تاریخی - احداث بناهای یادبود رویدادهای شهری - حفظ نام و روحیه فضاها ی یادآور خاطرات
ثبت و انتقال خاطره و تاریخ شهر	ثبت خاطره در کارکرد	- حفظ بناها و عناصر ارزشمند تاریخی - احداث بناهای یادبود رویدادهای شهری - حفظ نام و روحیه فضاها ی یادآور خاطرات

عوامل مؤثر در شکل‌گیری معماری منظر با هویت در شهر

تصرف در فضا توسط آنان و هم‌چنین افزایش مشارکت شهروندان در نگهداری فضا، به نحوی که فضا را بخشی از محیط زندگی خود بدانند. به این ترتیب ذهن آنان انباشته از خاطرات فردی و جمعی خواهد شد تا جایی که دیگر نمی‌توانند نسبت به مسائل آن بی‌تفاوت بمانند. متعهد کردن شهروندان نسبت به خیابان و وقایع درون آن اساسی‌ترین گام در جهت ایجاد و تقویت تعاملات اجتماعی در آن است (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۴۴-۱۴۵).

نتیجه‌گیری

باید در نظر داشت، که اولین برخورد با هر پدیده یا موجودی، سیما و کالبد ظاهری آن است؛ وجهه‌ای قابل ادراک که به راحتی قابل تشخیص و بازشناسی است. به عبارتی اولین مشخصه تفاوت میان دو موجود عینی، شکل و ساختار کالبدی آن است.

ساختار کالبدی یک فضای شهری به واسطه معماری منظر آن شکل می‌گیرد. مطلوبیت عینی و ذهنی یک فضای شهری و خاطره انگیزی آن به واسطه هویت‌مند بودن معماری منظر آن فضا محقق می‌شود.

هویت منظر شهری در نتیجه تعامل میان عناصر منظر از جمله عناصر کالبدی فضا یعنی جداره‌ها، کف‌ها، پوشش‌های گیاهی و نورپردازی‌ها با عناصر کارکردی شامل فعالیت‌ها، رخدادها و روحیه فضایی حاکم بر منطقه شکل می‌گیرد. در واقع منظر شهری در برگزیده چهار عنصر اساسی است:

- استفاده‌کنندگان،
 - مصنوعات بشری شامل عناصر کالبدی و عناصر کارکردی منظر،
 - روابط: ارتباطات میان عناصر منظر با یکدیگر و با افراد،
 - زمان: منظر شهری به تناسب زمان تعاریف متفاوتی دارد.
- جداره‌ها و عناصر عمودی تشکیل دهنده بدنه‌های شهری که هر یک برخاسته از سبک معماری خاص و هویت مجزایی هستند در تعامل با یکدیگر موجد سیمای شهری و خاطره ذهنی ماندگار از فضای شهری خواهند بود.
- چگونگی تسلسل معماری با هویت گذشته به معماری مدرن و تأثیر پذیرفته با تکنولوژی روز در فضاهای باز و عمومی شهری و تلفیق روابط کالبدی و کارکردی با عناصر طبیعی و در آمیختگی آن با فطرت بشری زمینه ساز تعاملات خودجوش و دیرپای انسانی در محیط‌های شهری خواهد بود.
- ★ استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

مآخذ

- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۸). «خیابان اصلی: الزامات و توقعات طراحی شهری». فصلنامه آبادی، شماره ۶۳
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی از کمیت تا کیفیت (۲). تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۶). مرمت شهری. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۵). «چشم‌انداز شهر / محله، پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی بیانیه چشم‌انداز» مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴.
- محمودی، محمدمهدی. (۱۳۸۳). «ضرورت طراحی در ارتباط با فضاهای شهری پیرامون ورودی‌های مترو در تهران». مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۹.
- محمودی، محمدمهدی. (۱۳۸۸). «پیاده رو عرصه ای برای تعاملات اجتماعی: مطالعه موردی خیابان ولیعصر تهران، حد فاصل چهارراه ولیعصر (ع) تا تقاطع خیابان دکتر فاطمی». فصلنامه علوم اجتماعی (علمی - پژوهشی)، ۱۷ (۳۷): ۱۴۵-۱۶۸.
- میرمقنایی، مهنا. (۱۳۸۸). «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷.
- مهندسان مشاور هرم بی. (۱۳۹۰). ساماندهی سیمای شبانه و روزانه اماکن و فضاها در مرکز تاریخی شهر تهران، حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.

یادداشت‌ها

چنان‌چه جان لنگ اشاره می‌کند « کیفیتی که از شهر برداشت می‌شود، بیش از هر چیزی بستگی به کیفیت خیابان‌های آن دارد، جیکوبز نیز معتقد است، اگر خیابان‌های اصلی شهر جذاب باشند، شهر جاذب و جالب خواهد بود» (بهزادفر، ۱۳۸۸: ۵۷).

خیابان‌های شهری که نتیجه سال‌ها تلاش شهروندان برای تداوم حیات شهری است، مملو از خاطرات، دل‌مشغولی‌ها، نیازها و سلیق شهروندان بوده و گویای نوع زندگی، طرز تفکر، سطح اقتصادی، نوع روابط اجتماعی و سایر اشتراکات ذهنی و عینی شهروندان در مقیاس شهر است (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۲). از این‌رو خیابان به عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزای سازنده شهر، بیانگر ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و یا به عبارتی بیانگر هویت جامعه است. ولی امروزه حوزه عملکردی وسیع و متنوعی که خیابان‌ها دارند در سایه حرکت سریع درون شهری ناشی از نگرش مدرن و غلبه اتومبیل بر انسان به فراموشی سپرده شده‌اند (بهزادفر، ۱۳۸۸: ۵۷).

فضاهایی که از آنها به عنوان نمادی از حضور اندیشه سیاسی - فلسفی جامعه مدنی یاد می‌شود، مکان بروز رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری مشارکت مردمی را فراهم آورده و روابط شهروندی را تسهیل می‌کند و به مکان‌های کار، تفریح، تبادل اطلاعات، تظاهرات اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اقتصادی جامعه تبدیل می‌شوند، مکان بروز مخالفت‌ها و موافقت‌ها و نمایش‌های شهری، مکان برگزاری جشن‌ها و سوگواری‌های ملی و مذهبی و دیگر حادثه‌ها و اتفاقات شهری. چنین مکانی (با در بر داشتن مفهوم زمان) به سبب خصوصیات کالبدی نمادین خود و واقعه و حادثه‌ها، هویت‌بخش بوده و موجد خاطرات فردی و جمعی در اذهان افراد و جامعه می‌شوند. امری که سبب حس تعلق به مکان و زمان و هویت یافتن فرد در شهر می‌شود. فضاهای شهری به سبب حادثه‌ها و واقعه‌ها از سویی و عناصر کالبدی خود از دیگر سوی، خاطره‌انگیز می‌شوند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۴).

دو عامل عمده و اساسی باعث خاطره‌انگیزی منظر شهری می‌شوند، ابتدا نقش‌انگیزی فضای شهری به معنای وجود عملکردها، مفاهیم و ویژگی‌های کالبدی مشخص و متمایزی که به راحتی در ذهن حک می‌شوند و دوم برانگیخته شدن احساسات مثبت شهروندان و ایجاد محیطی مأنوس از طریق ایجاد امکان دخل و